



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه مطالعات
امنیت و پیشرفت
I.S.D.S

پیشران‌ها و پسران‌های حمایت چین از ایران

در جنگ با رژیم صهیونیستی و آمریکا

ابرا‌رنگار ۱۷۵ | مرداد ۱۴۰۴

پژوهشگاه مطالعات امنیت و پیشرفت

پژوهشکده ابرار معاصر تهران



پیشران‌ها و پسران‌های حمایت چین از ایران در جنگ با رژیم صهیونیستی و آمریکا

ابرا‌رنکار ۱۷۵

پژوهشگاه مطالعات امنیت و پیشرفت
پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران

۱۴۰۴

پیشران‌ها و پسران‌های حمایت‌چین از ایران در جنگ با رژیم صهیونیستی و آمریکا
تدوین و انتشار: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران
تاریخ انتشار: مرداد ۱۴۰۴

تلفن و دورنگار: ۸۸۹۱۲۴۳۶-۸۸۹۰۱۹۵۷

نشانی اینترنت: www.tisri.org

تیراژ: محدود

خلاصه مدیریتی

تحلیل روابط جمهوری خلق چین با جمهوری اسلامی ایران در بستر جنگ با رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا، نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از پِش‌ران‌ها و پِش‌ران‌ها، سیاست‌های پکن در قبال تهران را شکل می‌دهند. از حیث پِش‌ران‌ها، ایران در جایگاه یک قدرت میانه با نقش راهبردی در مهار گروه‌های تروریستی، حفظ ثبات منطقه‌ای، تنوع‌بخشی به منابع انرژی چین و ممانعت از تسلط آمریکا بر گلوگاه‌های راهبردی جهانی، از اهمیت بالایی برای پکن برخوردار است. همچنین، پیروزی ایران در این نبرد، می‌تواند به‌منزله تأیید عملی کارآمدی راهبرد نظامی نامتقارن چین و تقویت بازدارندگی غیرمستقیم پکن در برابر غرب تلقی شود. از حیث پِش‌ران‌ها، محدودیت‌هایی نظیر نگرانی چین از قرار گرفتن در قالب بلوک‌های ضدغربی، بیم از واکنش منفی غرب و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و تمایل سنتی پکن به پرهیز از مداخله در منازعات پیچیده غرب آسیا، دامنه حمایت‌های چین از ایران را به حوزه‌های محدودتری همچون سیاست، اقتصاد، اطلاعات و حمایت‌های پنهان لجستیکی، تقلیل می‌دهد.

توازن میان پِش‌ران‌ها و پِش‌ران‌ها حاکمی از آن است که هرچند حمایت مستقیم و آشکار نظامی چین از ایران با موانع ساختاری مواجه است اما چین به دلایل راهبردی، به‌ویژه برای حفظ موازنه قوا در برابر غرب و تثبیت امنیت انرژی و جغرافیای ژئواقتصادی خود، از نوعی حمایت مشروط، محدود و تدریجی از ایران در صورت تشدید بحران استقبال خواهد کرد. موفقیت ایران

در جذب این حمایت‌ها، منوط به چینش هوشمندانه اهرم‌های متقابل و اعتمادسازی راهبردی در روابط دوجانبه است.

در این چهارچوب، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با اتخاذ سیاست‌هایی هوشمندانه، مشوق‌هایی برای تقویت حمایت چین فراهم آورد. در این خصوص پیشنهاد می‌شود در وهله اول، گفتگوهای راهبردی در سطوح مقامات عالی با هیئت حاکمه چین آغاز شده و تلاش شود تا ضمن اصلاح نظام محساباتی چین در قبال ایران، اهمیت نقش محور مقاومت در مهار آمریکا، برای طرف چینی روشن گردد و در وهله دوم، پروژه‌های اقتصادی مشترک و راهبردی به نحوی که توان رقابتی چین در مقابل آمریکا را افزایش دهد؛ میان دو کشور تعریف گردد.

مقدمه

تاریخ روابط بین‌الملل نشان می‌دهد که حمایت قدرت‌های بزرگ از قدرت‌های میانه به‌ویژه در شرایط جنگی، از عوامل تعیین‌کننده در شکل‌دهی به معادلات قدرت و تغییر سرنوشت جنگ‌ها به شمار می‌رود. این نوع حمایت می‌تواند ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی و اطلاعاتی داشته باشد و به‌طور قابل توجهی توان مقاومت یا کنشگری یک قدرت میانه را افزایش دهد. با این حال، اینگونه به نظر رسیده است که در جنگ اخیر، در حالی که رژیم صهیونیستی از حمایت‌های معتنا به آمریکا و کشورهای اروپایی برخوردار بود، جمهوری اسلامی ایران، خود را در دفاع از میهن، تنها یافت.

اهمیت این امر، موضوع حمایت قدرت‌های بزرگی مانند چین و روسیه از ایران را به یکی از موضوعات چالش‌برانگیز فضای کارشناسی و حتی رسانه‌ای داخل کشور مبدل کرده است. در واقع این سؤال در ذهن بسیاری از کارشناسان و مردم پدیدار شده است که «چه انتظاراتی باید از چین و روسیه برای حمایت از ایران در جنگ داشت؟» و اینکه «آیا امکانی برای حمایت این دو قدرت از ایران وجود دارد؟» در این نوشتار، پژوهشگر در تلاش است از مجرای بررسی پیشران‌ها و پسران‌های حمایت چین از ایران در جنگ، حوزه‌های امکان‌پذیر در خصوص حمایت این کشور از ایران را معرفی کرده و به این دو سؤال در ارتباط با چین، پاسخ دهد.

الف) پیشران‌های حمایت چین از ایران

پیشران‌هایی وجود دارد که حمایت چین از ایران در جنگ با رژیم صهیونیستی را، منطقی و توجیه‌پذیر می‌سازد. این پیشران‌ها عبارت‌اند از:

۱. جلوگیری از تسری ناامنی به غرب چین در پی بی‌ثباتی در ایران

ایران طی دهه‌های گذشته نقش بی‌بدیلی در مهار تهدیدات تکفیری، تروریستی و افراط‌گرایی در غرب آسیا و آسیای مرکزی ایفا کرده است. در این خصوص، لیوچیانگ^۱، پژوهشگر ارشد و رئیس کمیته علمی مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی ریم‌پک شانگهای، ایران را همسوی چین در مقابله با «پان‌ترکیسم» و جدایی‌طلبی قومی می‌داند و تصریح می‌کند: «ایران در این حوزه دیدگاه‌هایی مشابه یا یکسان با کشور من دارد که در صورت مدیریت صحیح، می‌تواند به همکار مؤثری برای حفظ امنیت شمال‌غرب چین بدل شود. (Li, 2025)».

بی‌ثباتی در ایران، خواه در اثر فشار نظامی یا جنگ فرسایشی، می‌تواند مسیرهای انتقال افراط‌گرایی را به سمت مرزهای غربی چین باز کند. افزون بر آن، نفوذ عمیق ترکیه در جوامع ترک‌زبان، به‌ویژه اویغورها، ظرفیت بالقوه‌ای برای تهدید درونی در غرب چین پدید می‌آورد؛ ظرفیتی که در فقدان سد ژئوپلیتیکی ایران، به‌راحتی توسط ناتو و متحدانش فعال می‌گردد.

۲. کاستن از سرعت انسجام قوای آمریکا و ناتو در شرق آسیا

تا زمانی که ایران یک قدرت مقاوم در غرب آسیاست، آمریکا ناچار به

1. Liu Qiang

تخصیص منابع، ظرفیت‌های اطلاعاتی و نیروهایش در این منطقه است. تضعیف یا حذف ایران به عنوان سد مقاومت، آزادی استراتژیک بیشتری برای تمرکز بر مهار چین در شرق آسیا فراهم می‌آورد. در نتیجه، حمایت از ایران، می‌تواند به منزله گسترش خاکریزهای دفاعی چین در ورای مرزهایش باشد. لیوچیانگ در این خصوص می‌نویسد: «گسترش ناتو به شرق و مخالفت ایران با این روند، مانعی طبیعی برای جلوگیری از اتصال ژئوپلیتیکی ناتو است... این مخالفت، سپری در برابر افزایش فشارهای امنیتی بر غرب چین فراهم کرده است.» (文, 2025)

۳. ممانعت از افزایش وابستگی چین به منابع نفتی هم‌پیمانان آمریکا در منطقه و روسیه

در حوزه نفت، ایران اهرم موازنه ساز چین در قبال واردات نفت از هم‌پیمانان آمریکا در منطقه و همچنین روسیه محسوب می‌شود؛ در واقع چین با واردات نفت از ایران، توانسته است منابع تأمین انرژی خود را متنوع‌تر ساخته و وابستگی خود را به منابع روسی و آمریکایی کاهش دهد. همچنین تجربه تاریخی نشان داده که ایران یگانه کشور منطقه است که سیاستهای انرژی خود را به‌ویژه در بزنگاه‌های تاریخی، مستقل از کاخ سفید دنبال می‌کند. به عبارت دیگر، در شرایطی که امنیت چین هم از حیث دسترسی به منابع و هم از حیث انتقال انرژی از ناحیه آمریکا، آسیب‌پذیر است و آمریکا می‌تواند در روز مبادا از اهرم‌های خود برای مهار چین استفاده کند، ایران و منابع انرژی آن، اهمیت بیشتری نزد چین پیدا کرده است؛ چراکه چین، تهران را نیروی مستقل بازار انرژی به‌ویژه در برابر آمریکا می‌داند (قربانی، ۱۴۰۰: ۶۴۳).

بر همین اساس، چین در همه ادوار تحریم‌های آمریکا علیه ایران و حتی در دوره فشار حداکثری، خرید نفت از ایران را قطع نکرده و ایران از بازار

واردات نفت چین حذف نشده است. در غیاب ایران مستقل، منابع انرژی خلیج فارس (با محوریت عربستان و امارات) و همچنین روسیه، تنها گزینه‌های تأمین پایدار نفت برای چین خواهند بود که می‌تواند این کشور را در رقابت با آمریکا و روسیه، در موضع آسیب‌پذیری قرار دهد. این وابستگی چندجانبه، نه تنها ابزار فشاری برای غرب ایجاد می‌کند، بلکه چین را در رقابت‌های ژئواقتصادی در موقعیت مصرف‌کننده ضعیف قرار می‌دهد. حفظ ایران مستقل در معادله انرژی، ضامن تنوع بخشی و تأمین امنیت راهبردی چین در حوزه انرژی است.

۴. جلوگیری از افزایش کنترل آمریکا بر گلوگاه‌های جهانی

با حذف ایران مستقل از معادله، آمریکا و متحدانش بر تنگه هرمز، باب‌المندب، کانال سوئز، تنگه مالاکا و سایر مسیرهای دریایی، کنترل بیشتری خواهند داشت. باید توجه کرد که رقابت قدرت‌های بزرگ، یک رقابت شبکه‌ای است که در آن تسلط بر گلوگاه‌ها، نقش حیاتی ایفا می‌کند. در این رقابت، قدرتی پیروز است که در روزهای صلح، آسیب‌پذیری خود را برای روزهای جنگ کاهش داده باشد. افزایش تسلط آمریکا بر گلوگاه‌های جهانی، چین را در موقعیت شکننده‌ای در عصر رقابت قدرت‌های بزرگ قرار می‌دهد.

۵. کنترل روند اتکای پروژه کمربند و راه به متحدین غرب

در نبود ایران به‌عنوان شریک مستقل، اتصال شرق به غرب از طریق آسیای مرکزی و غرب آسیا، وابسته به زیرساخت‌ها و اراده کشورهایی می‌شود که یا در اردوگاه غرب قرار دارند یا به‌سادگی تحت تأثیر فشارهای سیاسی و تحریمی قرار می‌گیرند. در چند سال اخیر، آمریکا در پی این بوده است تا با تضعیف یا ناامن کردن دالان‌های مستقل کمربند و راه، چین را به این سمت سوق دهد که این ابتکار را تنها در کشورهایی که آمریکا در آن‌ها سلطه

امنیتی دارد؛ گسترده سازد. تضعیف یا شکست ایران در این جنگ، نقطه عطفی در راهبرد آمریکا برای مهار چین محسوب می‌شود؛ این در حالی است که ایران مستقل، با موقعیت جغرافیایی ممتاز خود، می‌توانست مسیر پایدار و مطمئنی برای چین در جهت انتقال کالا، انرژی و فناوری باشد.

۶. ممانعت از انسداد کریدور اقتصادی چین - پاکستان^۱، تضعیف

پاکستان و تقویت هند

کریدور اقتصادی چین - پاکستان (سی‌پک) که ستون اصلی شاخه جنوبی ابتکار کمربند و راه محسوب می‌شود، طی یک دهه اخیر به‌عنوان پروژه‌ای راهبردی برای دسترسی زمینی چین به آب‌های آزاد و خلیج فارس تعریف شده است. این کریدور، که از منطقه سین‌کیانگ تا بندر گوادر امتداد دارد، ضمن کاهش وابستگی چین به تنگه مالاکا، نقش مهمی در امنیت انرژی و ترانزیت آن ایفا می‌کند.

با این حال، در چند سال اخیر، افزایش چشمگیر حملات تروریستی علیه زیرساخت‌های سی‌پک به‌ویژه در بلوچستان و مناطق غربی پاکستان، نشان‌دهنده تشدید تلاش‌ها برای تضعیف این مسیر راهبردی است. حملاتی که شامل انفجار خطوط ریلی، هدف قرار دادن کاروان‌های مهندسان چینی، حمله به ایستگاه‌های انتقال انرژی و حتی عملیات‌های هماهنگ علیه کارخانجات و مراکز تجاری در نواحی خاص بوده‌اند. این عملیات‌ها، برخلاف شکل سنتی تروریسم در پاکستان، دارای نشانه‌هایی از هدایت هوشمندانه برای اخلاف در روند سرمایه‌گذاری و انتقال انرژی هستند (مروتی، ۱۴۰۳).

رژیم صهیونیستی با توسعه روابط راهبردی با هند و با بهره‌گیری از نفوذ

1. China-Pakistan Economic Corridor (CPEC)

اطلاعاتی خود در منطقه، چنانچه بتواند دست برتر را در ایران پیدا کند، موجبات محاصره پاکستان را فراهم آورده و زمینه‌ساز یک مدل جدید و تدریجی از امنیتی‌سازی برای پاکستان خواهد شد. به قول لی چونگ‌یی، پژوهشگر مؤسسه مطالعات بین‌المللی شانگهای، «پاکستان بیشتر نگران این است که همکاری استراتژیک هند و اسرائیل یک محاصره استراتژیک برای آن به‌وجود آورد؛ همین امر نیز باعث شده است که پاکستان قاطعانه از ایران حمایت کند (李, 2025)

در مجموع می‌توان گفت که روند کنونی، سه پیامد مهم برای پاکستان و به تبع آن چین دارد :

انسداد یا اخلال پایدار در پروژه سی‌پک به‌واسطه ناامنی ساختاری؛ به‌طوری که سرمایه‌گذاری در پروژه‌های بندری، جاده‌ای و انرژی در پاکستان از سوی چین با هزینه‌های فزاینده امنیتی و بیمه‌ای همراه خواهد شد. تضعیف جایگاه ژئوپلیتیکی پاکستان به‌عنوان پل اتصال شرق به غرب آسیا و کاهش نقش آن به نفع رقبایی مانند هند که از حمایت ساختاری غرب و رژیم صهیونیستی بهره‌مندند.

تحکیم موقعیت هند در نقشه ژئواقتصادی منطقه، به‌ویژه در اتصال جنوب آسیا به خلیج فارس و اقیانوس هند و ارتقای نقش آن به‌عنوان شریک نخست استراتژیک آمریکا و رژیم صهیونیستی در آسیای جنوبی.

بدین ترتیب، حفظ ایران به‌عنوان حائل ژئوامنیتی در برابر این روند، یک ضرورت نه‌فقط برای موازنه در غرب آسیا، بلکه برای جلوگیری از اختلال در مسیرهای ژئواقتصادی و کریدوری چین در آسیای جنوبی است. هرگونه خلأ امنیتی در ایران، به‌سرعت به منطقه بلوچستان و کریدورهای منتهی به گوادر سرایت خواهد کرد و ضربهای به‌مراتب سهمگین‌تر از هر تحریم تجاری به

پروژه کمربند و راه وارد خواهد ساخت.

۷. ناکام گذاشتن آمریکا در نظامی سازی رقابت با چین

سال ها است که غرب به رهبری آمریکا به دنبال الگوی ناتوسازی در شرق آسیاست. تجربه ای موفق در غرب آسیا، الگویی برای بازتولید در شرق آسیا خواهد بود. مقاومت ایران، تجربه ای گران قیمت برای مهار سیاست نظامی سازی آمریکاست که شکست آن، پیامدهای مستقیم برای تایوان، دریای چین جنوبی و ساختار ژئوامنیتی شرق آسیا به دنبال دارد.

۸. اثبات کارآمدی و موفقیت راهبرد نظامی نامتقارن چین در صورت

پیروزی ایران

در دهه های اخیر، جمهوری خلق چین با وجود هزینه کرد نظامی کمتر نسبت به آمریکا، توسعه و تعمیق مفاهیم و توانمندی های نامتقارن را به عنوان ستون اصلی راهبرد دفاعی خود برگزیده است. این راهبرد مبتنی بر استفاده از ابزارهای محدود اما با قابلیت بالای «تحمیل هزینه» مانند موشک های کروز و بالستیک، پدافند هوایی پیشرفته، جنگ الکترونیک و سایبری و بهره گیری از تاکتیک های پنهان کاری و تحرک پذیری بالاست.

جمهوری اسلامی ایران نیز در دهه های اخیر، با توجه به محدودیت های لجستیکی، موفق شد با مجموعه ای از روش های نامتقارن شامل پهپادهای کوچک و موشک های برد کوتاه و میان برد، هزینه های قابل توجهی بر طرف مقابل تحمیل کند. در صورت پیروزی ایران، نشان داده می شود که:

نظام تحمیل هزینه^۱ در عمل می تواند حتی علیه ارتش های بزرگ و پیشرفته کارگشا باشد.

1. Cost-Imposition

برقراری توازن ریسک^۱ بدون تکیه بر فراوانی تجهیزات متعارف و صرفاً با شبکه‌سازی دقیق و هماهنگی بین حوزه‌ها (موشکی، پهپادی، سایبری و جنگ الکترونیک) امکان‌پذیر است.

پویایی تطبیقی^۲ تاکتیک‌های نامتقارن، قابلیت بازطراحی و تغییر سریع در برابر اقدامات ضدنامتقارن دشمن را دارد که موازنه تداوم عملیات را حفظ می‌کند.

برای چین، موفقیت ایران به منزله تأیید میدانی و علمی راهبرد «دسترسی‌ناپذیری، جلوگیری از دسترسی»^۳ و سایر اشکال جنگ نامتقارن است. این پیروزی:

به افزایش اعتبار نظریه‌پردازان نظامی چین و ترغیب به گسترش بودجه و پژوهش‌های نامتقارن می‌انجامد،

درس‌های عملی برای طراحی سامانه‌ها و تاکتیک‌های نوین پنهان‌کاری، رصد متقابل و یکپارچه‌سازی حوزه‌های نیرو (موشکی، پهپادی و سایبری) در اختیار سازمان‌های دفاعی چین قرار می‌دهد،

و در نهایت توان بازدارندگی چین در برابر فشار آمریکا را با مستندسازی کارآمدی این مدل در یک صحنه واقعی، به‌طور معناداری تقویت می‌کند. این امر می‌تواند تمایل کشورهای شرق آسیا به انعقاد پیمان‌های امنیتی - نظامی با آمریکا را کاهش دهد.

بنابراین، حمایت چین از ایران سرمایه‌گذاری برای تجربه‌ای است که می‌تواند اثبات کند راهبرد نامتقارن، ابزار قدرتمند و کارآمدی برای مواجهه

1. Risk Balance

2 Adaptive Dynamism

3. Anti-Access/Area Denial (A2/AD)

قدرت ضعیف‌تر با رقیب یا دشمن بزرگ‌تر است.

۹. جلوگیری از نابودی زیرساخت‌های انرژی منطقه در صورت جنگ تمام‌عیار

در صورتی که ایران نتواند به‌صورت مناسب در حوزه نظامی به تهاجم دشمن پاسخ دهد، ممکن است راهبرد تحمیل هزینه به دشمنان از مسیر حمله به زیرساخت‌های انرژی در منطقه در دستور کار قرار گیرد. در این حالت، نه‌تنها ثبات انرژی جهانی، بلکه امنیت انتقال انرژی به چین نیز دچار اختلال خواهد شد. پیشگیری از این وضعیت، تنها از طریق ارتقاء توان دفاعی ایران ممکن است.

۱۰. نگرانی چین از احتمال تغییر دکترین بازدارندگی ایران

جمهوری اسلامی ایران همواره به دکترین بازدارندگی متعارف پایبند بوده است؛ اما از منظر کارشناسان و تحلیل‌گران چینی، ممکن است به دنبال حملات اخیر و احساس تهدید وجودی، دکترین خود را تغییر دهد. برای مثال، تیان ونلین، مدیر مؤسسه مطالعات خاورمیانه در مؤسسه تحقیقات ملی منطقه‌ای دانشگاه رنمین، بر این باور است که در کوتاه‌مدت، ضربه به تأسیسات هسته‌ای ایران ممکن است خسارات مهلکی بر جای بگذارد؛ اما در بلندمدت، این اقدام «انگیزه و منابع ایران را برای توسعه سلاح هسته‌ای تقویت خواهد کرد». وی این حمله را، هشدار برای ایران تلقی می‌کند و می‌نویسد: «اگر آنها برگ برنده‌ای رو نکنند و سلاح هسته‌ای نداشته باشند، امنیت ملی آنها تهدید خواهد شد.» (田, 2025) این مسئله، ساختار نظم هسته‌ای در آسیا را به‌شدت تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و رقابت تسلیحاتی در منطقه را تشدید خواهد کرد که این امر مغایر منافع راهبری چین خواهد بود. این موضوع را از این جهت می‌توان یکی از پیشران‌های حمایت‌های چین از

ایران به حساب آورد که تنهایی ایران در این منازعه و تضعیف قدرت دفاعی آن، ممکن است تهدیدات را به تهدیدات موجودیتی مبدل کند و ایران را ناگزیر به سمت تغییر دکترین بازدارندگی سوق دهد؛ بنابراین چین برای جلوگیری از تحقق این سناریو، باید تلاش کند قدرت دفاعی ایران را به نحوی افزایش دهد که تهدیدات وجودی آن رفع گردد.

ب) پسران‌های حمایت چین از ایران

پسران‌هایی که مانع از حمایت چین از ایران در جنگ می‌شود یا حمایت‌ها را محدود می‌سازد؛ عبارت است از:

۱. احتراز چین از سیاست بلوک‌بندی

در سال‌های اخیر، برخی مقامات، اندیشکده‌ها و رسانه‌های آمریکایی تلاش کرده‌اند تا کشورهای چین، روسیه، ایران و کره شمالی را به عنوان یک بلوک ضد غربی تحت عنوان «محور تحول‌خواه» برسازی کنند. در سوی مقابل، مقامات و کارشناسان چینی، هر گونه بحث در مورد چنین محوری را رد و بر اولویت «ابتکار امنیت جهانی» تأکید می‌کنند. از منظر آن‌ها، الگوی امنیت مبتنی بر «ما در برابر آن‌ها» با فلسفه «امنیت مشترک، فراگیر و جامع» چین در تضاد است و می‌تواند اعتبار چین را در جهان در حال توسعه تضعیف نماید (Wishnick, 2025). آن‌ها، تلاش آمریکایی‌ها برای ترویج مفاهیمی مانند محور تحول‌خواه را در راستای سیاست آمریکا برای تقویت ائتلاف‌های ضد چینی و دلسرد کردن کشورهای میانه از تعمیق روابط با چین، تحلیل می‌کنند.

افزون بر این، از آنجا که بسیاری از کشورهای مشارکت‌کننده در ابتکار پهنه و راه، از شرکا یا متحدین غرب محسوب می‌شوند، چین همواره تلاش

کرده از سیاست بلوک‌بندی که آن را در مقابل غرب یا دیگر قدرت‌های بزرگ قرار دهد و کشورهای میانه را ناچار از انتخاب میان آمریکا یا چین نماید؛ پرهیز کند. حمایت گسترده نظامی چین از ایران، این تصور را برای کشورهای غربی و همچنین سایر کشورها ایجاد می‌کند که چین به دنبال بلوک‌بندی است و این امر علاوه بر اعتبار جهانی چین، تمایل کشورها به همکاری با چین را نیز تضعیف می‌کند.

۲. نگرانی از واکنش کشورهای غربی

هرگونه فروش یا انتقال تسلیحات پیشرفته به ایران می‌تواند چین را مشمول تحریم‌های ثانویه آمریکا و اتحادیه اروپا کند. افزون بر این، در صورت حمایت گسترده نظامی چین از ایران، احتمالاً کشورهای غربی حمایت تسلیحاتی خود از تایوان را افزایش خواهند داد که چنین امری می‌تواند منافع راهبردی چین را به خطر اندازد.

۳. نگرانی از تیره شدن روابط با کشورهای حاشیه خلیج فارس

چین در دهه گذشته به مهم‌ترین شریک تجاری کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بدل شده و حدود ۳۶ درصد نفت خام خود را از این منطقه تأمین می‌کند (ISPI, 2024). پکن مایل نیست با حمایت رسمی و آشکار از ایران، اعتماد و فرصت‌های اقتصادی در عربستان، امارات و قطر را به خطر اندازد. حمایت رسمی از ایران در جنگ، دست برتر ایران در برابر کشورهای حاشیه خلیج فارس را تقویت می‌کند که این امر می‌تواند با واکنش این کشورها علیه چین همراه شده و تمایل آن‌ها به تعمیق روابط با آمریکا را افزایش دهد.

۴. ادراک چین نسبت به پیچیده بودن منازعات در غرب آسیا

تجربه‌های شکست خورده دخالت نظامی شوروی در افغانستان و آمریکا

دراfcانستان، عراق و لیبی، چین را به این نتیجه رسانده که منازعات در غرب آسیا پیچیده‌تر از آن است که با حضور و مداخله نظامی یک قدرت بزرگ، حل شود؛ بلکه حتی این منطقه می‌تواند به «گورستان امپراتوری‌ها» نیز مبدل گردد. بر این اساس، سیاست سنتی چین در مواجهه با بحران‌ها و منازعاتی که ارتباط مستقیم با امنیت ملی‌اش نمی‌یابد، بر پایه پرهیز از مداخله سخت استوار است. در این چهارچوب، پکن همواره ترجیح داده است به‌جای ورود مستقیم نظامی یا امنیتی به معادله، از ابزارهای اقتصادی بهره ببرد. به بیان دیگر، مادامی‌که منافع یکی از طرفین دعوا با دایره منافع حیاتی پکن تقاطع نیابد، همان ضرب‌المثل چینی «نشسته بر قله کوه و نظاره نبرد ببرها» صادق خواهد بود (وفایی، ۱۴۰۴).

ج) حوزه‌های امکان‌پذیر برای حمایت چین از ایران

پیشران‌ها، حمایت از ایران در جنگ را توجیه پذیر می‌کند اما پسران‌ها، آن را در قالب‌های اقتصادی یا حمایت‌های پنهان در حوزه تأمین برخی قطعات نظامی یا کالاهای با کاربرد دوگانه محدود می‌سازد. به‌طور کلی، حوزه‌هایی که انتظار می‌رود چین از ایران در جنگ، حمایت به‌عمل آورد به شرح زیر است:

۱. **حوزه سیاسی:** چین در بیانیه‌های رسمی، نگرانی عمیق خود را نسبت به حملات نظامی رژیم اعلام و این حملات را محکوم کرد. مواضع چین، در عمل به منزله ایجاد سپری سیاسی برای کاهش فشارهای بین‌المللی علیه ایران عمل می‌کند. همچنین با توجه به اینکه چین یکی از اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل است، می‌تواند از ایجاد یک اجماع نظامی علیه ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد ممانعت به‌عمل آورد.

۲. **حوزه اقتصادی:** چین یکی از معدود کشورهایی است که علی‌رغم

فشارهای تحریمی، واردات نفت از ایران را نه تنها متوقف نکرده بلکه حفظ و حتی تقویت کرده است. استمرار صادرات نفت ایران به چین می‌تواند نقش کلیدی در تأمین هزینه‌های دفاعی و ثبات داخلی کشور ایفا کند.

۳. حوزه اطلاعاتی: گزارش‌های منتشرشده توسط منابع غربی، از همکاری غیرمستقیم چین با انصارالله یمن در جریان جنگ با آمریکا، حکایت دارد. طبق این گزارش‌ها، شرکت‌های چینی داده‌های ماهواره‌ای تجاری با کیفیت بالا را در اختیار انصارالله قرار داده‌اند (Sevastopulo, 2025). این احتمال وجود دارد که چین در این حوزه نیز از ایران، پشتیبانی اطلاعاتی به‌عمل‌آورد.

۴. حوزه نظامی: با وجود آن‌که دکترین سیاست خارجی چین ورود به درگیری‌های مستقیم را منع می‌کند اما در سطوح زیرساختی و لجستیکی، شواهدی از حمایت پنهان پکن از توان دفاعی ایران دیده می‌شود. برای مثال، بر اساس گزارش منابع خبری غربی، چین در ماه‌های منتهی به آغاز جنگ هزاران تن ماده آمونیوم پرکلرات را که یکی از اجزای اصلی سوخت جامد موشک‌های بالستیک به‌شمار می‌رود، به ایران منتقل کرده است (Reuters, 2025).

۵. انعقاد قرارداد بلندمدت برای توسعه سواحل مکران: ایران می‌تواند با چین، برای توسعه سواحل مکران به‌خصوص چابهار، قراردادهای بلندمدتی را امضا کند. توسعه سواحل مکران، در امتداد پروژه سی‌پک تعریف شده و مزیتی راهبردی را هم برای چین و هم برای ایران فراهم می‌سازد.

جمع‌بندی

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که رابطه چین با ایران در بستر جنگ با رژیم صهیونیستی و آمریکا، در قالب یک تعامل راهبردی و مبتنی بر موازنه منافع قابل تبیین است. برخلاف یک تصور عمومی مبنی بر «حمایت بلاشرط از ایران توسط چین» سیاست خارجی چین مبتنی بر احتیاط، پرهیز از تقابل آشکار با غرب و اولویت‌بخشی به ثبات ژئواقتصادی است. همچنین، برخلاف یک تصور عمومی دیگر مبنی بر «رها سازی کامل ایران توسط چین»، داده‌ها و تحلیل‌ها نشان می‌دهد که موقعیت ژئوپلیتیکی، ظرفیت‌های انرژی، نقش ایران در حفظ ثبات پیرامونی چین و نیز اثرات الگویی راهبرد مقاومت در برابر قدرت‌های بزرگ، دلایلی قانع‌کننده برای توجیه حمایت ولو غیرمستقیم پکن از تهران را فراهم کرده است. این دوگانگی، سیاست چین در قبال ایران را در سطحی از «موازنه حداقلی» حفظ کرده که گرچه مانع از حمایت آشکار نظامی می‌شود اما در قالب حمایت‌های پنهان، اقتصادی، سیاسی و اطلاعاتی، قابل مشاهده است.

از این رو، نتیجه‌گیری اساسی این پژوهش آن است که حمایت چین از ایران، تابع محاسبه‌ای دقیق از منافع متقاطع و ریسک‌های راهبردی است. در نهایت، توازن میان پیشران‌ها و پسران‌ها حاکی از آن است که هرچند حمایت مستقیم و آشکار نظامی چین از ایران با موانع ساختاری مواجه است اما چین به دلایل راهبردی، به‌ویژه برای حفظ موازنه قوا در برابر غرب و تثبیت امنیت انرژی و جغرافیای ژئواقتصادی خود، از نوعی حمایت مشروط، محدود و پنهان از ایران در استقبال خواهد کرد. موفقیت ایران در جذب این حمایت‌ها، منوط به چینش هوشمندانه اهرم‌های متقابل و اعتمادسازی راهبردی در روابط دو جانبه است. در واقع، پیشران‌های ذکر شده در خصوص حمایت چین از

ایران، به معنای ناگزیری پکن در حمایت از تهران نیست؛ بلکه سیاست‌ها و کنش ایران، نقشی مهم در جلب حمایت چین از ایران دارد. در این خصوص پیشنهاد می‌شود در وهله اول، گفت‌های راهبردی در سطوح مقامات عالی با هیئت حاکمه چین آغاز شده و تلاش شود تا ضمن اصلاح نظام محساباتی چین در قبال ایران، اهمیت نقش محور مقاومت در مهار آمریکا، برای طرف چینی روشن گردد و در وهله دوم، پروژه‌های اقتصادی مشترک و راهبردی به نحوی که توان رقابتی چین در مقابل آمریکا را افزایش دهد؛ میان دو کشور تعریف گردد.

منابع

۱. قربانی، وحید. (۱۴۰۰). استراتژی امنیت انرژی معاصر چین در غرب آسیا. فصلنامه روابط خارجی. ۱۳(۳)، ۶۲۷-۶۵۸
۲. مروتی، سمیه (۱۴۰۳). تغییر الگوی تهدید در پاکستان، مجله امنیت بین الملل، ۷(۶۴)، ۱۰۵
۳. وفایی، حامد. (۱۴۰۴). «فداکاری امنیتی» انتظار منطقی از پکن نیست. روزنامه‌ایران. قابل مشاهده در : <https://irannewspaper.ir/8790/15/127580>
4. ISPI. (2024). Deepening Cooperation Between China and the Gulf. Italian Institute for International Political Studies. <https://www.ispionline.it/en/publication/deepening-cooperation-between-china-and-the-gulf-191672>
5. Reuters. (2025). Ships with missile propellant ingredient set to sail from China to Iran. <https://www.reuters.com/world/ships-loaded-with-missile-propellant-sail-china-iran-ft-reports-2025-01-22/>

6. Sevastopulo, D. (2025). US says Chinese company is helping Houthis target American warships. Financial Times. <https://www.ft.com/content/628b404b-2a24-4853-8f3c-9caad408ef8f>
7. Wishnick, E. (2025). Russia-China-North Korea Relations: Obstacles to a Trilateral Axis. Foreign Policy Research Institute. <https://www.fpri.org/article/2025/03/russia-china-north-korea-relations-obstacles-to-a-trilateral-axis/>
8. 刘强. (2025). 伊朗局势为何攸关中国国家安全？爱思想. <https://www.aisixiang.com/data/164046.html>
9. 田文林. (2025). 中东局势走向失控？专家解读此次以伊冲突背后原因与影响. 国际在线. <https://news.cri.cn/20250613/8c21ac01-e2ed-8cc8-2fcf-652e5e1b5341.html>
10. 李崇毅. (2025). 《美以对伊朗的打击与印巴的不同立场》. 上海国际问题研究院。取自: <https://www.siiis.org.cn/sp/17094.jhtml>



«پژوهشگاه مطالعات امنیت و پیشرفت» به منظور پاسخگویی به بخشی از نیازهای پژوهشی کشور در راستای تولید شناخت جامع از محیط امنیت ملی، پاسخگویی به نیازهای پژوهشی و مطالعاتی، انجام پژوهش‌های کاربردی و استقرار سیاست‌های پژوهش‌مبنا و تقویت فرآیند سیاستگذاری و حکمرانی کشور با رویکردی علمی و راهبردی تأسیس شد.

این مرکز در حال حاضر با چهار پژوهشکده «مطالعات راهبردی»، «ابرار معاصر تهران»، «مطالعات حکمرانی فرهنگی و اجتماعی» و «علوم و فناوری‌های نوظهور» در حوزه‌های سیاسی، امنیتی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، امنیت بین‌الملل و فناوری‌های نوظهور مشغول به فعالیت است.